

امام علی (ع) و المپیک ابدی!

از این ترکیب نامتجانس ممکن است تعجب کرده باشید. اما شاید با کمی تأمل، ارتباطی را که به زعم نویسنده، میان این دو عنوان برقرار است از جهاتی پذیرید. تقارن زمانی میان این دو واقعه، بهانه ای شد تا به تقارب موضوعی آن دو پرداخته شود.

این روزها دو موضوع مهم، البته با شدت و ضعف و با تفاوت در مکان و مردم و زاویه نگرش آنان، دل و دیده ها را به خود مشغول داشته است؛ یکی شب های قدر و شهادت امام علی (ع) است که همچون تاسوعا و عاشورا، بیشترین جاذبه را برای کشاندن شیعیان، که اکثریت ملت ما را تشکیل می دهند، به مساجد و محافل مذهبی، تا پاسی از نیمه شب ها ایجاد می کند، دیگری مسابقات المپیک لندن است که از حدود دو هفته پیش با رقابت ۱۰۵۰۰۰ قهرمان ورزشی از ۲۴۰ ملت آغاز شده و همچنان چشم و دل چند میلیارد بیننده و شنونده را در سراسر جهان به خود مشغول داشته است. اگر واقعه نخست محدود به مسلمانان است، این دومی، همه جوامع را در بر گرفته و به عنوان مهم ترین رویداد جهانی این روزها جلوه می کند.

مسابقات جهانی، به خصوص المپیک، هرچند نمادی از صلح و دوستی میان ملل مختلف به شمار می رود، اما در ورای ظاهر ورزشی، در باطن صحنه زورآزمایی و رقابت تنگاتنگ ملت ها برای نمایش برتری اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی خود می باشد. همین که جمهوری اسلامی نیز با وجود لهُو و لعب شناختن هرآنچه رنگ عزا یا ایدئولوژی ندارد، با کاروانی مرکب از ۵۴ نفر در این رقابت ها شرکت کرده و چشم طمع به برق مدال ها دوخته تا موفقیت خود را، به رغم تهدیدها و تهدیدها به رخ جهانیان بکشد، خود نشانه روشنی از ارتباط میان این دو مقوله است.

شعار المپیک که در سه واژه لاتین: سریع تر، بالاتر، قوی تر (Citius, Altius, Fortius) خلاصه شده، رقابتی را میان ساکنان پنج قاره، که به صورت نمادین با پنج حلقه رنگین (قرمز، قاره آمریکا. سبز، اروپا. زرد، آسیا. سیاه، آفریقا و آبی، اقیانوسیه) پدید آورده که با طبیعت تنازع بقاء و رقابت برای توسعه و پیشرفت تناسب دارد. همچنانکه در رقابت های علمی (با جایزه نوبل)، هنری (اسکار و...)، ادبی، صنعتی و حتی انتخاب ملکه زیبایی چنین رقابت هائی جریان دارد.

سؤال اساسی این است که آیا دین به طور کلی و اسلام یا تشیع به طور خاص، که تعالیم آن ناظر به خدا و آخرت است، می تواند و مفید است به موضوعاتی مثل رقابت های ورزشی که در هر حال اشتغالاتی دنیائی و علائقی معطوف به پرورش جسم است پردازد، یا باید از آن پرهیزد و مردم را بر حذر دارد؟

پاسخ پاره ای از پیروان سنت گرا، پروا کردن از این اشتغالات است، آنها اجتماع دهها هزار تماشاچی در استادیوم های ورزشی و میلیونها نفر پای تلویزیون ها را برای بازی با توپ های بزرگ و کوچک (بسکتبال، والیبال، فوتبال، تنیس، پینگ پنگ، گلف و...) را لهو و لعب و عملی لغو می شمردند که جز ارضای نفس و غلبه بر حریف حاصلی ندارد. حتی عارفان بزرگمان نیز بازی کردن را نشانه کودکی شمرده اند، به تشبیه زیبای مولوی نگاه کنید:

خلق اطفالند، جز مست خدا نیست بالغ، جز رهیده از هوی
گفت دنیا لعب و لهو است و شما کودکید و راست فرماید خدا
از لعب بیرون نرفتی، کودکی بی زکات روح کی باشی زکی؟

گرچه نگاه دین به دنیا و مذموم شمردن مشغولیت به بازی، قابل انکار نیست، اما سخن بر سر زاویه برخورد دین یا اولیاء دین با این واقعیت غیرقابل انکار بشری است که استعداد آنها آفریدگار در فطرت آدمی نهاده است. تاریخ نشان می دهد پیامبران و پیروان راستین آنان، برخلاف بسیاری از زاهد نمایان، اگر هم خود ورزشکار نبودند، نه تنها آنها مذمت نمی کردند، بلکه از این واقعیت بشری استفاده کرده، پیام های خود را در قالب همین اشتغالات و علائق، از جمله ورزش بیان می کردند.

داستان پیامبر اسلام و وزنه برداران را، آنگاه که او را به داوری میان خویش برای تعیین قوی ترین شخص دعوت کردند، کم و بیش شنیده اید؛ آن رسول به جای آنکه جوانان را از این مشغولیت ها به مسجد فراخواند، دعوتشان را با خوشروئی پذیرفت و پس از داوری، خاطرنشانان ساخت که قوی تر از کسی که وزنه سنگین تری بلند کرده، کسی است که بیشتر بر خشم و شهوت خویش مسلط باشد!

پیامبر اسلام^ط بعید به نظر می رسد در شبه جزیره عربستان از مسابقات المپیک که قرنهای قبل از او در یونان باستان جریان داشته مطلع بوده باشد، اما حضرت عیسی^ع که در دوران امپراطوری روم شرقی و از نظر زمانی و مکانی در متن این بازی ها می زیسته (۱)، به شهادت آنچه در انجیل آمده است، از این مراسم مطلع بوده و حداکثر بهره برداری را از قالب این تشریفات در تبیین تعالیم خود کرده است. این است بهره براری آن رسول

از مراسم دو "ماراتون" و مسابقات مشت زنی و غیره که در انجیل (نامه پولس به مسیحیان روم، قرتیان ۹-باب ۲۴ تا ۲۷) آمده است:

"آیا نمی دانید که در میدان مسابقه همه می دونند، اما تنها یکنفر جایزه را می برد؟ شما چنان بدوید که ببرید. هر که در مسابقات شرکت می جوید، تن به تمرینی سخت می دهد و محرومیت می کشد. آنها برای جایزه ای فانی چنین زحماتی را متحمل می شوند، ولی ما برای جائزه باقی تلاش می کنیم. من اینگونه می دوم، نه چون کسی که خط پایان ندارد، مشت می زنم، نه چون کسی که به هوا می زند! من بدن خود را به سختی و می دارم و بر آن سخت می گیرم تا دراختیارم باشد. اگر چنین نکنم، می ترسم از کسانی که به آنها موعظه کرده ام عقب بمانم."

آری امام علی^(ع) و سایر مسلمانان از این مراسم بی خبر بودند، اما به هر حال جنگ آوران عرب نیز به تقویت بنیه و بازو می پرداختند و تشریفاتی مشابه داشتند، هرچند الگوی ورزشی شان عمدتاً در مسابقات اسب یا شتردوانی یا تیراندازی و شمشیربازی بود. بنابراین مسئله "سرعت" و "سبقت" در فرهنگ آنان نیز جایگاه ویژه ای داشت و شجاعانی همچون امام علی، از کمالات: سبقت، سرعت، جدیت، میدان رقابت، مداومت در تمرین و در بیان کلمات هدایتی خویش حتی در دعاها و عارفانه با خدای خویش استفاده می کردند. از جمله در دعای کامل که مومنان در شب های جمعه تلاوت می کنند:

"پروردگارا، جسم (جوارح) مرا در خدمت به خودت "نیرومند" ساز و جانم را عزم و اراده ای سخت ببخش و به من "جدیت" در خشیت و "مداومت" و پشتکار در پیوستن به خدمتت را عطا کن تا آزاد و رها (ازهر قید و بند) یکسره به سویت روانه "میدان سبقت گیرندگان" شوم و در میان مبارزین (حاضر و بارز شدگان در میدان مسابقه) به سویت "سرعت" بگیرم... (۲)

اسب عربی در همه جهان به سرعت و صلابت معروف بوده است و عرب ها نیز درآماده کردن اسب های خویش برای مسابقات اسب دوانی مهارت ویژه داشتند. آنها ماه ها پیش از روز مسابقه، اسبان خود را به رژیم غذایی سختی، با کاستن تدریجی از کاه و یونجه ریاضت می دادند تا بتوانند در روز موعود از عهده اسبان دیگر برآیند. این دوران آمادگی را که امروز در اردوگاه های ورزشی پیش از مسابقه به دست می آورند، در زبان عربی "مضمار" می گویند که مفهوم وزن کم کردن دارد و "ضامر" به شتر و اسبی گفته می شود که به فرم در آمده و لاغر شده باشد.

امام علی که خود از سواران تیزتک بوده و در این فرهنگ می زیسته، در مواعظ خود بارها از قالب این واژه برای منتقل ساختن ذهن مستمعین به میدان مسابقه و رقابت هائی دیگر بهره برده است. او دنیا را "مضمار" می نامد، دوران آماده شدن برای مسابقه فردا، مسابقه ای که جایزه اش بهشت است و عقب ماندگان را آتش حسرت و ندامت فرا می گیرد:

"آگاه باشید، امروز روز تمرین و آمادگی است، فردا روز مسابقه است، پیشتازان به بهشت و بازماندگان به حسرت و ندامت و آتش (ظلمشان) گرفتار می شوند". (۳)

اصلا زندگی در دنیا را چیزی جز همین آماده شدن برای روز مسابقه نهائی نمی داند، نگاه کنید به خطبه ۲۴۱:

والله مستادیکم شکره - خدا ادای شکر (به کار بستن انرژی و استعدادهای خداداد در مسیر حق) را از شما خواسته است.

و مورثکم امره - با موهبت "اختیار"، شما را وارث امر و اراده خویش گردانده است.
و ممهلکم فی مضمار محدود - و به شما در اردوی آمادگی مسابقه یک عمر مهلت داده است.
لتنازعوا سَبَقَه - تا برای به چنگ آوردن جایزه او (همچون مدال طلا) به رقابت پردازید.
فشدوا عُقْدَ المازرواطووا فضول الخواصر - پس کمر بندهای خویش محکم ببندید و گشادی لباس های خویش تنگ کنید.

ولا تجتمع عزیمه و ولیمه - عزم و اراده با سورچرانی جمع نمی شوند.
مانقض النوم لعزائم الیوم وامحی الظُّلَم لتذاکیر الهمم - چه بسیار خواب شب، عزم و اراده روز را نقض می کند و چه بسیار تاریکی ها برق بیداری همت ها را محو می سازد.

می فرماید: من به سوی ایمان و هجرت "سبقت" گرفته ام (۴). هیچکس جز رسول خدا در رویکرد به خدا از من "سبقت" نگرفته (۵)، بر هیچ طاعتی شما را برنیا نگیختم، مگر آنکه خود بر آن سبقت گرفته باشم (۶) ... به هنگام شهادت نیز، در آخرین وصایای حیات بر بارش، مسلمانان را از "سبقت" گرفتن دیگران از آنها در عمل به قرآن هشدار می دهد. (۷)

آنگاه که می خواهد "اسلام" را برای مردم توصیف نماید، از جمله با استفاده از قالب مسابقه اسب دوانی این ویژه گیها را مفهوم اسلام بر می شمارد (خطبه ۱۰۶):

کریم المضممار- تمرینات پیش از مسابقه اسلام ، نه لغو و بیهوده، بلکه کریمانه است
رفیع الغایه - مقصد مسابقه بسیار والا و دور است.

جامع الحلبه - گردآورنده اسبان ممتاز(مردان عالی مقام) است.

متنافس السبقه - جایزه مسابقه بسیار نفیس است (بالا تر از مدال یا کاپ طلائی).

شریف الفرسان - سواران کارانش شریف اند (رقابت ها از سر دشمنی و غلبه نیست).

التصديق منهاجه - مسیر مسابقه، تصدیق عملی نیکوها است.

والصالحات مناره - نشانه های راه که باید از آن پیروی کرد، انجام کارهای شایسته است.

والموت غایته - پایان مدت مسابقه مرگ است.

والدنيا مضماره - دنیا جای تمرین و آماده شدن برای مسابقه است.

والقیامه حَلْبَتُهُ - میدان دویدن اسبان در قیامت است.

والجنه سَبْقَتُهُ - و جایزه اش بهشت است.

شگفت این که قرآن نیز بر سرعت و سبقت گرفتن بر پیروان شریعت های پیشین، در میدان های مثبت زندگی،
به جای اختلاف و دشمنی، تاکید کرده است:

مائده ۴۸- ما برای هریک از شما شریعتی و راه روشنی قرار دادیم و اگر خدا می خواست همه شما را امت
واحده قرار داده بود ولیکن می خواهد شما در امکانات متفاوتی که به هر کدام داده بیازماید، پس (به جای
تفرقه و تخاصم) با یکدیگر در کارهای نیکو مسابقه بگذارید، رجوع شما (خط پایان مسابقه) به سوی
خداست و همو شما را به اختلافاتی که دارید، آگاه خواهد کرد (امروز هنگام داوری کردن نیست، اختلافات
را به خدا در روز قیامت حواله دهید).

قرآن پیروان پیامبران پیشین را در سه رده : ظالمان، میانه روان ، و پیشتازان به سوی نیکی ها معرفی کرده (فاطر
۳۲) و مقربون را همان سبقت گیرنده از سبقت گیرندگان شمرده است (واقعه ۱۰). قرآن بهشت را نه باغی در
منطقه ای از زمین، بلکه به وسعت همه جهان هستی، با همه کهکشانش، توصیف کرده و انسانها را به
سرعت گرفتن در مغفرت ربوبی (پاک شدن از منیت ها) و سبقت گرفتن از یکدیگر تشویق کرده است:

حدید ۲۱- سابقوا الی مغفره من ربکم و جنه عرضها کعرض السماء و الارض...

آل عمران ۱۳۲- وسارعوا الی مغفره من ربکم و جنه عرضها السموات والارض....

۱- این مسابقات از ۷۷۶ سال قبل از میلاد مسیح در دشت المپیاد یونان به عنوان هدیه به زئوس، خدای جنگ آغاز و تا سال ۳۹۴ سال پس از میلاد (قبل از تعطیل آن توسط امپراتور بیزانس) ادامه پیدا کرد، پس از آن تا حدود ۱۵ قرن تعطیل بود تا در سال ۱۸۹۶ میلادی بار دیگر توسط یک مربی ورزش فرانسوی احیاء گردید.

۲- یا رب، یا رب، یا رب، قو علی خدمتک جوارحی واشدد علی العزیمه جوانحی حتی اسرح الیک فی میادین السابقین و اسرع الیک فی البارزین و اشتاق الی قربک فی المشتاقین و ادنو منک دنو المخلصین و اخافک مخافه الوموقنین و...

۳- الا، و ان الیوم المضمار و غدا السباق، والسبقه الجنه و الغایه النار...

۴- خطبه ۵۷ نهج البلاغه - و سبقت الی الایمان والهجره

۵- خطبه ۱۳۱- لم یسبقنی الارسول الله بالصلوه

۶- خطبه ۱۷۵- و ما احثکم علی طاعه الا و اسبقکم الیها

۷- نامه ۴۷- الله، الله فی القرآن، لا یسبقکم بالعمل به غیرکم